

卷之三

وخطنه کیوب اینک اینا
ش ساعت سرتله فار
در
کانکشن علیه روم
هزار قاری ایله انتبه
بلکل سوتونه اند گاری
مه موسی خسته خاله سله
الدققلری باز نس ایدك
تون و اشده دون مثار
ملا خسر و خاله سنه
تری محاسن بات و مرسی
فی حاجی و اسفت بیک
خاله سنه اوکی کیچ
ارجه ذی قیمت اشیا
ک ل یون
لک غلطه واستان بولک
اک افریجینک یدختی
ندر

ب و میسانید مضا جزی رباره
مذکور درین بسطار قسم اعطا شد
است راه بردن اشنا ایستادگرند
و پا آثار خود و پیشنهاد منع
تر صوره چهار و قوی سیروان و تکلیف
لرز.

در دروم او زرود و سارمه خصوص
مشتمله هشت براند روتستوچ
بوزیریک سیک فراق و برلینکن
پاریسیورل .

پرستانش

سر تاریخ کاخیه التندیه
او لان زراحت چینیت لایاده کی
کادره ایشانه ای ایشانه ایشانه
جاسانه توییغ ایشانه ایشانه ایشانه
ایدن ظفار طرق دن نظم
هه ثیوتو لکس فاندهی زمانه که
صارقدن ایچی ملوبون در اخی
وقتی طرندن اول واخر واقع

لایات

۲۷

دویادن اخراجی درجه بود که ممکن نبود
مدادرس این را در خود داشت.
نه ایگان برای پدر از اولین این
۱۹۹۶ سنه شده بروجی مالی
حوالده نهاده و سلطنتی ارشاد
هزاره ای این را با این ایشان
اوشنل پرنسپال مقداره ایکی
اوشن ایشان داشت. و اما بو توجه
قطط عرضی اولان بزون مبالغه
رواتن غرفت ای اآن که اند انته
وارش. شوکرکه کنار اینجا
کیانی شدند. هر چند اینجا شاهزاده
درین روی خلاصه ایشان
تخریبات هم خانوار ایشان. مردم
نمود که کلک. خوش عکس کریمه
واردر. داکر خات می خواستند
امکان خوبیه ایشان را باشند.
کوئی شایع اینها می خواستند.
الان ذین اینها می خواستند.
دازک که با ویهندن معاشره قائل
مشته که هو می خواستند
فنه اوله که تقدیق می کردند.
اویله دهله دهله دید که کاره
ایمالشون.
اعاقی بخواسته بخواسته اینها
که ایشان را با ایشان
که ایشان را با ایشان

حواضن
 که چک سه و برهه
 معلوم اویلی او زور
 نمین ایدین مکافات با
 دکادر. هر سنه چهارما
 وقتی بومکافا لور
 بومکافات سمسایشی ندا
 میتوان قوشیوں خ
 مساقته، فرانه ای
 آئینی وضع ایماند
 مکافاتی قازانه، نام
 شاتمندن اول سالاف
 حکمک در.

شکن
 دکن خ
 اهان دریانه کام او
 ایچون تکر کاظم
 و ملکه اندن که کناره،
 آنی، آنی

و وزیره متوفی زیانک رومایانه
 دعوائنده آتند هم توافق
 هم مأمور ایدن هبنت رومایان
 من ممنوی اوله رق طامنه
 که روابی، بوده شهدی هبنت
 من متوفی زیانک وارنیله
 پلچکدر.

حوافت مفترقه
 روم جانی المطالی ارادتند
 رسکمفرما اویلی ایند معلم
 و موم مکتبیز یک کوه کون ایچون
 در.

ای فانی تزلزل ایشدز
 الله، قوسلاسوخانه استان لوی
 هم، متصور بولندنی مستخردر.

ش

رومانیا شکرلری

امانیک خاندانه ایلخانی کشک اویونی کی آنکه
علمای خصوصه دها و زاده همچنان ایلخانه نهاد
باشد.

ایلخانی روز شدنی درجه بولانش اینکی
و انتیه فرمودت اولان از اینستی عصره ایله ایلخانه
میخواهدی، خرب و تپال و لایلرند و واژه و مستانه
که ایلخانی اساس خداهای میباشد را جادو اکنند
بهاوت ایدی.

فقط از اخره همکت مردمی اکتساب نتوت
ایلخانی، جادوار اکتبک ایکا او اینهی قر اولا پاتس
ده که بازیزدیه که بازیاریه، ملا ۱۸۷۷
اعجیل (۲۰) ییک همانکه بازیاریه، شام حاووج که
همکه همراهه شروع اینک (۵) ۱۸۷۷
همکار از اینهی سرمهه خسر او نتشدرو

اونلندی، پوسنینه خیریه
فرانزی فندر آلونوں دنیه
اسرخاده، اسکندر و ندن
قالاله اقاضی خبریه باخت
اولویانی معلومور، مو شفه
فرنقوچوچو، کاش کوکر
ایشا و اغماقیه قبی
ایلهکم بوندیر،
اگرخونوت سینه،
پو علیخانی تسلیم ایده،
اگانج ایشاندوز، امرتیه
اجراسته، هرچوی میانیه
ایده، هرچوی میانه
ایده، جو چیزترد بر
سکری دوقور ییکا شیلدن
شدن، روسه، ولاچی مدی
وابایه حقیقیت اسکندر و ندن
ولاچی والی میتند، مأمور من تلو
دن گلشنادر.

رومایا
موسیوند بک
همومنی سعادت
جزایر خرسفید
نادی نک رو دو
و
طاطاوله
پویاچی ابتوش
کیچیه ساعت
وقوف دریا یاری
زیارتگاری
لار و داروی غایه کمل و سروک سیستمه
خانهای ایزام مقابله به شدن جلب اولنه
و عادی اوزور همراه هستگه بکری بش
لاریز بکار یار دوستهات کشت نهادنیه
لیلیکه جو چواهه بکار میراهه خانه تبلیغ گفت

1

مبارات ایامی
 فقط نهاده هر ملکت تدویری اکتساب یافت
 الایدی، جادرا اگاهی ایفا کنند و این را با این
 دعا میگردند: «بادخانی ایشان را بپسندند، مثلاً ۱۸۷۸AD
 ایگنی (۲۰) میگویند: «بگذار اینها، شام حاوی درست
 سفره است.»
 سفره ای اینها سرمه خوار آنکه (۱۸۷۸AD)
 هفتاد و ایوانی هزار اونتشد.
 هفتاد و ایوانی هزار اونتشد.
 این سفرمه ایشان را بپسندند ترق
 اشند. ۱۹۰۰AD ده میلیون ریالی میگردند.
 مواد ایامی ۱۹ میلیون ایامی، بکسری میگردند.
 مقدار معمول مذکور (۱۹۰۰AD) میگردند.
 کلکت این اثاثات ازدواج ایشان را اولاند پنهان
 میگردند. میتوانند این را باز میگردند.
 میتوانند این را باز میگردند.
 میتوانند این را باز میگردند.

پسر خود را بخواهید، درود، امروز
اید و قاللی اینجود، اماراتی خان
بورویاری تیاولوو و دنیش، واپرورد
خانچه لعله ای اوندو، واژک و موروت
و سندی ایدلکن سکره، موست
ایدان، خان نازلیه سو پاسا، لیش
وازق اسماقیه طوشیری، ایندیه
خانچه طردله، غات، کارن، ریام، ایله
خندقند، دکره، فریاد، شدنیه
لنر ایلدویلر، پوسورنه، دکتر ک
ایلدویلر، اوتان اولان سینه
چیلاروک
آر قوچکه دکره ایک تزویل
خانچه ایلچه، ایلچه، ایلچه، ایلچه
خانچه بخیره، بخیری دلبلو
بر طباطب، سامتل دندا بر
اه کزکه، بکیه بخیر بات
دهلک، بکیه بخیر بات
چیلاروک، چیلاروک، تائس، ایش
کلک، بیشی، بیشی، دکر، آنده
خانلار، دهانلار، دهانلار
سات، بکومکه، بولند قلی
هزف اولدویلر، پوسورنه، دکتر د
چیلاروک، ریکتله، ایلچه
خانچه، ایلچه، ایلچه، ایلچه، ایلچه

اویمات صابطه
اکن کوکولسی اندرو،
و دیگر ایکی رفقاری او لکی
طفقی قرار لردنه که او غلنه
سی دو شدمه ناروی بر احالمه سنه
تو مقدار ایکن موقماند
دوشون دیک ماسه ده اوطروره
با هیچ این و ایسله، قوله و سندنه
دور و ندیل سو قادنه مقعن
لسانده بولاند کاردن بو بنل

زیر ترکیب اخواه حضرت پادشاهیم مرحوم
پسر کشته شد از این خانواده بقای و بروزه
دیده اند و این خانواده عصر اسلامی روند
گلستان انشوده

کمال، بار

